

# گردهمایی بررسی آثار و اندیشه‌های جلال آل احمد

۲۳۸

نخستین گردهمایی بررسی آثار و اندیشه‌های جلال آل احمد روز ۵ شنبه بیستم آبان امسال در فرهنگسرای خاوران برگزار شد.

در این سمینار که با حضور بسیاری از اندیشمندان و نویسندگان و دانشجویان برپا شد، سخنرانهای چندی درباره زندگی و آثار جلال آل احمد ارائه گردید که نظر خوانندگان گرامی را به پاره‌هایی از آنها جلب می‌کنیم.

جلسه ابتدا با سخنرانی آقای مهندس امیرهاشم قوانلو مدیرعامل فرهنگسرای خاوران آغاز شد، سپس دکتر داور شیخاوندی در سخنرانی خود با عنوان «ارزیابی شتابزده» گفت: «جلال یکی از پاسداران سنت اسلامی است و شاید اولین کسی است که در سال ۱۳۴۳ مسأله شهادت را مطرح می‌کند و می‌گوید، ما مسأله شهادت را فراموش کرده‌ایم و باید به این سنت برسیم...»

پس از وی دکتر عباس کی‌منش درباره جلال آل احمد چنین گفت:

«جلال در همه آثارش از اصطلاحات مذهبی و دینی به بهترین نحو استفاده و مفاهیم خود را با این تعبیرات بیان کرده است. به طور کلی جلال نویسنده‌ای را وسیله‌ای برای بیان احساسات و تأثرات از جامعه آن روز قرار داده و آن گونه که می‌اندیشد همان گونه هم می‌نویسد و مطالب را بر روی صفحه کاغذ می‌ریزد... روی هم جلال را می‌توانیم تبلور زمان بدانیم و جلال را به عنوان هوش و عقل بیدار زمان معرفی کنیم و بگوییم او چگونه توانست در نشر پخته خود در عین اینکه

نثری عامیانه بود، توانست مسائل مذهبی را در آثار خود بریزد و از آنها نتایج عالی برای انقلاب باشکوهی بگیرد»

دکتر ناصر تکمیل همایون به شجاعت جلال آل احمد اشاره کرد و افزود:

«...امپریالیسم فکر می‌کرد پیروز خواهد شد و کمونیست از دنیا رخت خواهد بست و کمونیست تصور می‌کند که این طور نیست، امپریالیسم کاغذی است که از بین خواهد رفت و سراسر جهان به نظام کمونیستی مبدل می‌شود.

جلال آل احمد کسی بود که گفت نه این و نه آن. این حرف در آن روزگار شجاعت می‌خواست. موجی از بیگانگی چه توسط کسانی که متمایل به غرب بودند چه توسط کسانی که به جناح چپ حرکت می‌کردند آن جناحی که می‌خواست خودش باشد فانوام سبز، سانگو، عبدالله آلویی در مراکش، انور عبدالملک در مصر و جلال آل احمد در ایران، اینها نخبگان جامعه بودند که برای هستی فرهنگی صحبت می‌کردند و غریزدگی جلال آل احمد یعنی بازگشت ما به فرهنگ و به تمدن خودمان. من تصور می‌کنم که جلال پرچمی را برداشت که امروز ما به عنوان گفت‌وگوی تمدنها از آن صحبت می‌کنیم یعنی اگر امروز ما می‌گوییم در دنیا ما هم فرهنگ داریم، ما هم تمدن داریم و فرهنگها و تمدنها با هم در طی تاریخ در تبادل بودند و ما زنده هستیم و فرهنگ ما فرهنگ ویترونی نیست، فرهنگی است که می‌خواهیم در آن زندگی کنیم این پرچم را جلال آل احمد برداشت و آن شجاعت فوق‌العاده‌ای می‌خواست»

در ادامه برنامه نوبت شمس آل احمد رسید که چنین گفت:

«من بی‌صلاحیت‌ترین آدم هستم که در این جمع باید از آدمی صحبت کنم که شما می‌خواهید بزرگش بدارید. من چند بار آرزو کردم که ای کاش جلال می‌بود و من می‌رفتم. او به خاطر تیزی‌اش و تندگویی‌اش و تأثیری که از مسایل اجتماعی‌اش در می‌یافت آدمی بود که بیشتر به درد نسل جوان و به درد انقلاب می‌خورد من بی‌خود ۷۴ سال عمر را حرام کردم و ابتر ماندم...»

سخنران بعدی عبدالعلی دستغیب بود که درباره «داستان‌نویسی و نثر داستان جلالی» چنین گفت:

«... در واقع آل احمد یک استیلیست درجه یک است آل احمد در رمان‌نویسی به معنای رمان به معنای واقعی کلمه نیست. مدیر مدرسه و نفرین زمین وقتی نگاه می‌کنند تک آوایی تمام قهرمانی‌های داستان صدای آل احمد را منعکس می‌کنند در حالی که رمان خوب همان‌طور که باختین هنرشناس روس توضیح داده پولی فونیک است (چند آوایی) برادران کارآمازوف سخنگوی نویسنده نیستند سخنگوی تیپ خودشان هستند. سخنگوی نوع خود هستند. اما



آل احمد در نوشتن مقالات که غریب‌دگی مقاله طولانی است و در سفرنامه‌نویسی، حقیقتاً ید طولایی داشت و نویسنده توانایی بود. از معدود نویسندگان ما بود که به سبک خاص خود رسیده بود و از خصوصیات سبکش این است که کلام او فوق‌العاده به زیبایی نوشته شده که هم از ادب رسمی و هم از نثر کهن ایران استفاده کرده، هم از ذرات خانه ظرایف فرهنگ عامه مردم بهره برده و توانسته بین این دو تلفیقی به وجود بیاورد.

در ادامه دکتر کیومرث امیری سخنرانی ارزشمندی ارائه کرد که در طی آن چنین گفت:

«... اگر بتوانم یک تعریف نظری از تعریف نظری از خود مفهومی بدهم که جلال چه طور خود را می‌دیده است. بعد ببینم دیگران درباره جلال چه می‌انگاشته‌اند یعنی پنداره اجتماعی جلال را به دست بدهم و بعد ببینم بین خود مفهومی و پنداره اجتماعی ایشان همبستگی مثبت است یعنی همان طور که می‌اندیشیده‌اند در مورد جلال همان طور بوده یا نه؟ جلال طور دیگری در مورد خود تصور داشته و مردم به گونه دیگری جلال را فهمیده‌اند. می‌خواهم اثبات کنم بله بین خود مفهومی و خودپنداری جلال رابطه مثبت است و از این همبستگی مثبت بین پنداره اجتماعی جلال و خود مفهومی او نتیجه بگیریم که چرا پنداره اجتماعی جلال مثبت بوده و دلایل این همبستگی مثبت با خویشتن‌داری جلال چه بوده است و نتیجه بگیریم که چون جلال خود گشوده بوده به خاطر همین قضیه است که خودپنداری او همبستگی مثبت دارد و نه

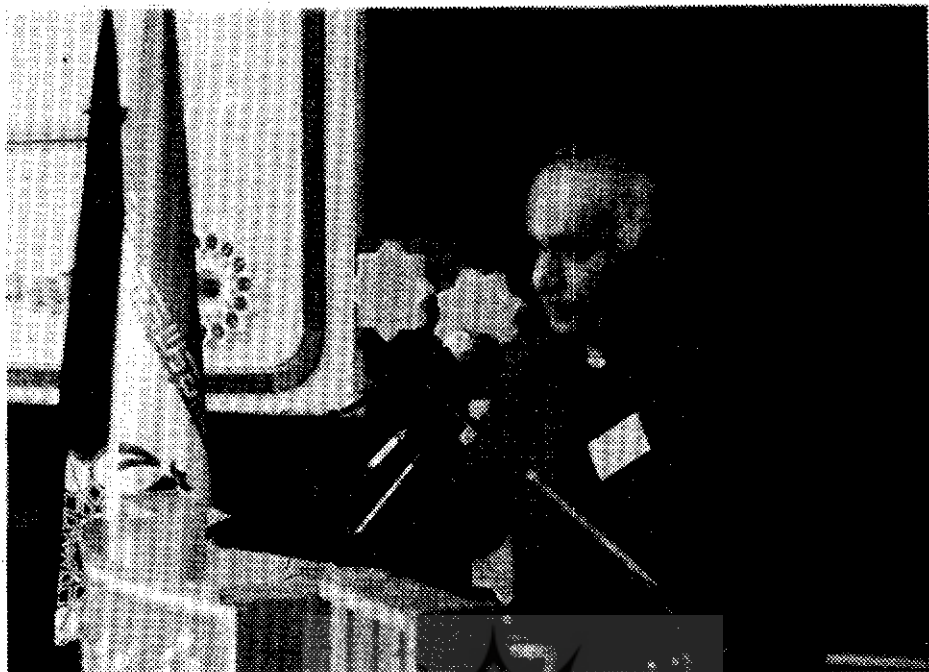


## همایش بررسی آثار و اندیشه‌های جلال آل احمد



فرهنگسرای خاوران - آبان ماه ۱۳۷۸

خیرمقدم توسط مدیرعامل فرهنگسرا	تلوت قرآن - سرود ملی	۹-۹:۲۰
آشنایی شتابزده با جلال آل احمد	آقای دکتر داور شیخ‌وندی استاد دانشگاه	۹:۲۰-۹:۴۰
تأثیر نثر جلال بر نثر معاصر	آقای دکتر عباس کی منش استاد دانشگاه	۹:۴۰-۱۰
جایگاه فرهنگی - سیاسی جلال آل احمد در تاریخ معاصر ایران	آقای دکتر ناصر تکمیل همایون عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و مطالعات انسانی	۱۰-۱۰:۲۰
تنفس و پذیرایی		۱۰:۲۰-۱۰:۳۰
از چشم برادر	آقای شمس آل احمد محقق و استاد دانشگاه	۱۰:۳۰-۱۰:۵۰
پرسش و پاسخ		۱۰:۵۰-۱۱:۲۰
بازدید از نمایشگاه		۱۱:۲۰-۱۱:۴۰
نماز و ناهار		۱۱:۴۰-۱۴
داستان نویسی و نثر داستانی جلال آل احمد	استاد عبدالعلی دستغیب محقق و منتقد ادبی	۱۴-۱۴:۲۰
خودمفهومی و پنداره اجتماعی جلال آل احمد	آقای کیومرث امیری محقق و نویسنده	۱۴:۲۰-۱۴:۴۰
دکترین اجتماعی و سیاسی جلال آل احمد	آقای علی دهباشی محقق و روزنامه نگار	۱۴:۴۰-۱۵
مرامنامه جلال (بررسی رساله پولوس رسول)	آقای دکتر محمدرضا موحدی استاد دانشگاه و حوزه	۱۵-۱۵:۲۰
پذیرایی و استراحت		۱۵:۲۰-۱۵:۳۵
ادبیات داستانی جلال آل احمد	آقای محمد عزیزی شاعر و نویسنده	۱۵:۳۵-۱۵:۵۵
اجرای موسیقی سنتی	گروه	۱۵:۵۵-۱۶:۲۰
میزگرد با حضور سخنرانان		۱۶:۲۰-۱۶:۵۰



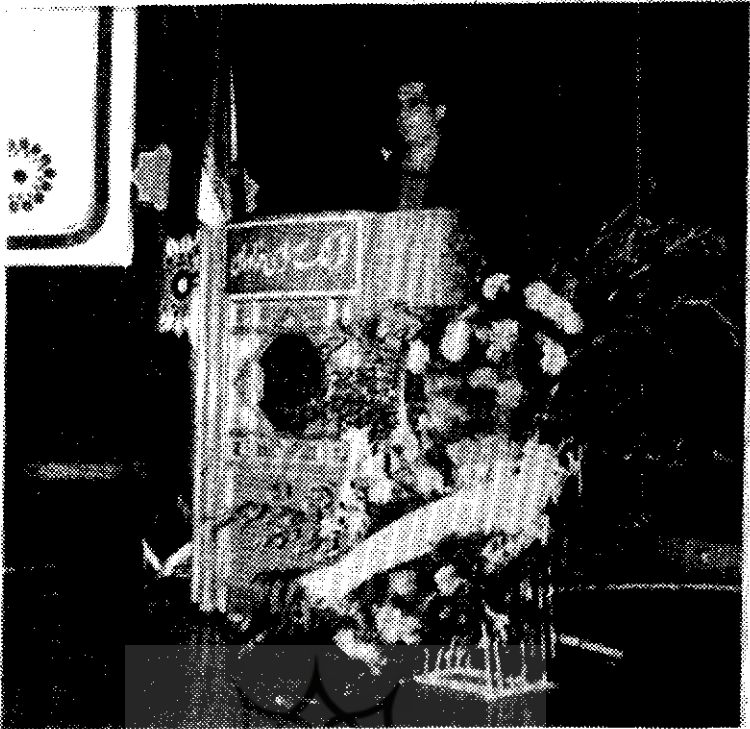
● سخنرانی دکتر تکمیل همایون

منفی...»

۲۴۲

جلال از کسی نمی‌ترسیده به خاطر اینکه عزت نفسی در درون داشته، چون جلال خود گشوده بوده است، از هر کسی هر مرادی رتبه جلال داشته است معنای آن فرد با جلال برابر چون صریح بود. به خاطر همین به نظر خیلی‌ها حرف‌های جلال خیلی کم تعریف شده و خیلی کم کسی توانسته از جلال چیز دیگری بشناسد...» آنگاه نوبت به علی دهباشی رسید که در سخنرانی خود با عنوان «دکترین اجتماعی و سیاسی جلال آل‌احمد» چنین گفت:

«دکترین اجتماعی و سیاسی جلال آل‌احمد شاید خود موضوع دو یا سه روز سخنرانی برای چند سخنران باشد. اما آنچه که به اختصار می‌شود گفت در رابطه با آرای فکری و اجتماعی آل‌احمد، بنده در اینجا بیان می‌کنم در واقع ما در نگاهمان به متفکرین و نویسندگان کمتر به بررسی همه جانبه اندیشه‌های متفکر می‌پردازیم. سعی داریم یک متفکر را آن‌طور که خود می‌اندیشیم بخواییم و آن بخش‌هایی را از آرا و عقاید او بپذیریم که با اندیشه ما همخوانی دارد و در نهایت سعی کنیم بخش‌های دیگر از اندیشه متفکر را یا نادیده بگیریم یا به طور خاص کتمان کنیم در مورد زنده یاد جلال آل‌احمد هم شاید بهترین زمینه برای داوری اندیشه‌هایش آثار او باشد. جلال به عنوان یک سوژه و مدل برای بررسی اندیشه‌های یک متفکر خیلی مناسب است از یک جهت کمتر متفکری همچون جلال آل‌احمد زیرا در تب و تاب دورانه‌های مختلف



فکری زندگی کرده و بسیاری از روشنفکران یک اندیشه‌ای را انتخاب می‌کنند و تا آخر عمر آن را بسط می‌دهند و دنبال می‌کنند که این هم ارزش خاص خود را دارد. اما آل احمد به دلیل زندگی نوجوانی و جوانی در سالهای خاصی از تاریخ معاصر ایران به دلیل محیط پرورش و آموزش خانوادگی و سرانجام به دلیل روح بلند و پویا و حرکت‌کننده‌اش دورانهای مختلف زندگی را در عمر کوتاهش سیر کرده است. این بررسی که از زندگی فکری او می‌شود باید تمام این جنبه‌ها را در برگیرد. با اندیشه‌های احمد کسروی آشنا می‌شوند و عقاید او تا زمانی که به تأسیس انجمن اصلاح می‌پردازد و بعد از بازگشت و عضویت در حزب توده و تعصب شدید در اعتقادات آن دوران بعد از پشتیبانی مکرر از حزب توده و انشعاب و روی آوردن به تفکر ملی سرانجام در ادامه راه خودش در تکوین متفکری که به فرهنگ بومی و ملی خودش در دو وجه اسلامی و ایرانی توجه خاص داشته است ما باید تمام این جنبه‌ها را در نظر بگیریم...»

و در پایان دکتر تکمیل همایون درباره جلال افزود:

«... جلال در همه زمینه‌ها هر چه دوستان گفتند مستعد بود و تردیدی نیست که کار بزرگی کرد. در داستان‌نویسی، داستان‌نویس بزرگی بود در کارهای ترجمه تک نگاری‌ها و سفرنامه‌ها همین‌طور؛ ولی در همه اینها به خاطر شتابی که برای نتیجه‌گیری داشت به آنچه باید برسد نرسید. من جلال را دارم با خودش در این داوری مقایسه می‌کنم نه با دیگری، من می‌گویم اگر در

جشن فرخنده می تواند یک نمونه داستان کوتاه موفقی را ارائه بدهد می توانست بسی قوی تر از آن داستان را هم بنویسد اما به علت شتاب زدگی هنری، سیاسی و اجتماعی آدمی بود که فرصت بازخوانی آنچه را که روی جعبه قوطی سیگار می نویسد نداشت و این هم برآمده از زندگی او بود که در آن زندگی می کرد. در جایی که هیچ کس فرصت آن را نداشت نقیبی بتواند بزند به هر ترتیب جلال در همه زمینه ها سطحش بسی فراوان تر از عمقش بود...»

## خواننده گرامی

### مشترک عزیز

منارج سنگین مجله فقط از محل تک فروشی و حق اشتراک تأمین می شود.

بخارا انتظار دارد در صورتی که آن را می پسندید و ماندگاری آن را برای فرهنگ و زبان فارسی مفید می دانید ما را یاری کنید.

همان طور که بارها نوشته ایم، در صورت ازدیاد تعداد مشترکان، مجله دوام یابد، و به راه فرهنگی خود ادامه می دهد. بخارا مرهون محبت کسانی است که تاکنون به درخواست ما مشترکانی معرفی کرده اند.